

## Research Article

doi: [10.71633/jshsp.2024.1032448](https://doi.org/10.71633/jshsp.2024.1032448)

## The Cultural-led Regeneration in Sang-E-Siah Neighborhood, A Model for the Revival of the Historical Textures (Case Study: Sang Siah Neighborhood of Shiraz)

Mojtaba Malekian Behabadi<sup>1</sup>, Saeed Zanganeh Shahraki<sup>2\*</sup> & Bahamin Sadat Badihi<sup>3</sup>

1. M.A in Urban Planning, Faculty of Architecture & Art, Shiraz University, Shiraz, Iran

2. Associate Professor, Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Ph.D Student of Human Geography, University of Otago, Dunedin, New Zealand

\* Corresponding author: Email: [saeed.zanganehs@gmail.com](mailto:saeed.zanganehs@gmail.com)

Receive Date: 08 January 2022

Accept Date: 25 September 2023

### ABSTRACT

**Introduction:** The historical fabric of any city is not only a cultural and artistic treasure of that city but also preserves an important part of the essence of that city in its heart. It can be said that the protection of this texture is essentially the protection of the city's identity. As a result, various methods have been proposed to preserve and maintain these fabrics.

**Research Aim:** This study aims to explain how the culture-led regeneration process intervenes in the dysfunctional urban fabric. Another aim is to provide a model for dynamic protection of historical fabric, using the perspectives of this method. In this regard, not only the existing approaches in regeneration have been studied, but also by researching one of the successful regenerations in the historical fabric of Shiraz (Sang-e Siah neighborhood), an integrated model with a culture-led approach has been presented.

**Methodology:** Field observation and library research have been used to achieve this goal, the most important of which have been: studying of high-level documents, field observation, and interviews with 17 individuals involved in the regeneration of Sange-E-Siah neighborhood.

**Studied Area:** The geographical area of this research is Sang-E-Siah neighborhood in Shiraz.

**Results:** The resulting pattern consists of ten steps which cover the social, economic, and physical aspects. This model covers all aspects of theory, moreover, proves its efficiency in practice, and due to its flexible nature, it is possible to be used in other cities and historical fabrics as well.

**Conclusion:** This essay Examines aspects of culture-led regeneration to apply this approach and rescues it from a purely slogan-oriented approach in urban planning. In addition, it provides a model for implementing the process of culture-led regeneration in urban neighborhoods with a flexible approach which includes various dimensions.

**KEYWORDS:** Historical Texture, Regeneration, Culture-led Regeneration, Presenting a Schema, Sang\_E\_Siah Neighborhood, Shiraz



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۹، شماره ۳ (پیاپی ۶۸)، پاییز ۱۴۰۳  
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>  
صص. ۱۸۰-۱۶۷

doi: 10.71633/jshsp.2024.1032448

مقاله پژوهشی

## تجربه‌ی جریان بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله سنگ سیاه، الگویی برای احیاء بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز)

مجتبی ملکیان بهابادی<sup>۱</sup>، سعید زنگنه شهرکی<sup>۲</sup> و بهامین سادات بدیهی<sup>۳</sup>

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۲. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای انسانی، دانشگاه اوتاگو، دنین، نیوزلند

\* نویسنده مسئول: Email: [afifi.ebrahim6353@iaularestan.ac.ir](mailto:afifi.ebrahim6353@iaularestan.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۸ تیر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۳ مهر ۱۴۰۲

### چکیده

**مقدمه:** بافت تاریخی هر شهر نه تنها گنجینه ماندگار فرهنگی و هنری آن شهر است، بلکه بخش مهمی از ماهیت آن شهر را در دل خود دارد؛ می‌توان گفت که حفاظت از این بافت در اصل حفاظت از ماهیت شهر است. در نتیجه تاکنون روش‌های گوناگونی جهت حفظ و نگهداری این بافت‌ها ارائه شده است. **هدف:** هدف از این پژوهش تبیین چگونگی مداخله جریان بازآفرینی فرهنگ مبنا در بافت‌های ناکارآمد شهری و ارائه الگویی جهت حفاظت پویا از بافت‌های تاریخی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های این تفکر است. در این راستا، نه تنها به بررسی رویکردهای موجود در بازآفرینی پرداخته شده، بلکه با تحقیق در مورد یکی از بازآفرینی‌های موفق در بافت تاریخی شیراز (محله‌ی سنگ سیاه) الگویی تلفیقی با نگرش فرهنگ مبنا ارائه شده است. **روش‌شناسی تحقیق:** برای رسیدن به این هدف از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است که مهم‌ترین آنها مطالعه‌ی اسناد بالادستی، مشاهده در محل و انجام مصاحبه با ۱۷ نفر از افراد دخیل در بازآفرینی محله سنگ سیاه بود.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمرو جغرافیایی این پژوهش، محله تاریخی سنگ سیاه در شهر شیراز است.

**یافته‌ها:** الگوی به دست آمده شامل ده مرحله است که جوانب اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را پوشش می‌دهد. این مدل نه تنها در نظریه تمام جوانب را پوشش داده، بلکه در عمل نیز کارایی خود را ثابت کرده و به دلیل ماهیت منطقی خود این امکان را فراهم می‌کند که در سایر شهرها و بافت‌های تاریخی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

**نتایج:** نتیجه این پژوهش را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد. یکی بررسی جوانب بازآفرینی فرهنگ مبنا با هدف کاربری کردن این رویکرد و نجات آن از نگرشی صرفاً شعاری در برنامه‌ریزی شهری. و دیگری ارائه الگویی جهت اجرای روند بازآفرینی فرهنگ مبنا در محلات شهری با رویکردی منعطف و دربرگیرنده ابعاد مختلف.

**کلیدواژه‌ها:** بافت تاریخی، بازآفرینی، بازآفرینی فرهنگ مبنا، ارائه الگو، محله سنگ سیاه، شیراز

## مقدمه

ایران سرزمینی است با قدمت تاریخی زیاد، قدمت شهرنشینی در این سرزمین در بخش‌هایی، مانند شوش، به بیش از ده هزار سال می‌رسد (محمدیان فر، ۱۳۸۹: ۸). بیشتر شهرهای پر جمعیت و مراکز استان‌های امروز ایران نیز با داشتن پیشینه‌ی تاریخی هنوز بافت تاریخی خود را، عمدتاً در مراکز شهر، حفظ کرده‌اند. بافت تاریخی با داشتن ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود انعکاسی را از هر شهر تاریخی ارائه می‌دهد. مفاهیمی همچون هویت، خوانایی، نمایانی، سازگاری و بسیاری از مفاهیم دیگر از ویژگی‌های این بافت‌ها به شمار می‌روند (کلانتری و پور احمد، ۱۳۸۴: ۲۳۱). در چند دهه‌ی اخیر، رشد شتابان شهرنشینی و به تبع آن توسعه و گسترش بی‌رویه‌ی شهرها، چالش‌های جدیدی را فراروی سکنه و مدیریت شهری گسترده است. این مشکلات در بافت‌های تاریخی نمود واضح‌تری دارند، به گونه‌ای که تبعات منفی کمبودهای ساختاری و عملکردی هسته‌های قدیمی و تاریخی شهرها بر حوزه‌های مختلف، در سال‌های اخیر توجه گروه‌های ذی‌ربط را به لزوم ساماندهی و احیای بافت یاد شده معطوف ساخته است (موسوی، ۱۳۸۵: ۲). از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود عناصر ناهمخوان شهری، عدم تأمین سرانه‌ی خدمات شهری مطلوب، فقدان سلسله‌مراتب مناسب در شبکه‌ی ارتباطی و عدم امکان نفوذپذیری به داخل بافت ارگانیک، کاربری‌های ناسازگار و جاذب ترافیک، وجود فضاهای بی‌دفاع رها شده، قرارگیری برخی قسمت‌های بافت در حریم آثار تاریخی و ضوابط نارسای ساخت‌وساز در آن و نهایتاً خروج تدریجی سرمایه و فعالیت و جایگزینی کارکرد سکونتی با کیفیت بسیار نازل (پوراحمد، حبیبی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۷۴).

در راستای چالش‌های ذکر شده، مدیریت شهری امروزه به عملی بودن رویکرد بازآفرینی شهری در مقایسه با سایر نظریه‌های مرمت شهری رسیده است. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیت) منجر می‌شود. در این اقدام فضای شهری جدیدی احداث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶: ۵). نگرش بازآفرینی فرهنگ‌مبنا با تکیه بر فرهنگ سکنه بافت‌ها امروزه به‌عنوان یکی از جدیدترین و کاربردی‌ترین نگرش‌های مرتبط با این موضوع است.

هسته‌ی مرکزی بافت تاریخی شهر شیراز نیز با برخورداری از عناصر ارزشمند متعدد، ظرفیت‌های بالایی برای بالفعل کردن خلاقیت را از طریق ایجاد تعاملات و برهم‌کنش‌های فضایی دارد. اگرچه فشارهای ناشی از گسترش شهر، غفلت از بافت تاریخی و نگاه موزه‌ای به فضاها و عناصر تاریخی در دوره‌های گذشته، سبب قطع ارتباط این عناصر با زندگی مردم شهر شده است، به نظر می‌رسد استفاده از بازآفرینی شهری "فرهنگ‌مبنا" و اشاعه‌ی آن می‌تواند هم به نیازهای توسعه‌ای شهر در معنای بسیط خود پاسخ دهد، و هم موجب صیانت از میراث شهری و حفاظت از ساختارها و کارکردهای تاریخی و هویت‌آفرین شهری باشد (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۸).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بافت‌های تاریخی شهرهای ایران در عین برخورداری از غنای کالبدی-فیزیکی و فرهنگی زیاد، با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند. از این رو مدیریت شهری در پی یافتن بهترین روش، بازآفرینی شهری به الگوهایی متکی بر مشارکت با مردم روی آورده است. در تعریف نسبتاً جامع از مشارکت آن را شرکت فعالانه‌ی انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات می‌دانند. امروزه توسعه‌ی پایدار را در پناه توسعه‌ی مشارکتی می‌جویند و از آن به عنوان هدف و وسیله‌ی توسعه یاد می‌کنند. با این وجود، متأسفانه شهرسازی ایران در مواردی که داعیه‌ی مشارکتی بودن دارد، کاملاً منطبق با شرایط مشارکت شعاری است و هنوز با اولین مراحل مشارکت واقعی فاصله‌ی زیادی دارد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۳). مشارکت شعاری در واقع مشارکت محسوب نمی‌شود بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی، نه تأمین منافع مردم، بلکه تأمین منافع مراجع برنامه‌ریزی است. علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در برابر آن و در نتیجه سهولت اجرای طرح است (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۱).

موفقیت رویکرد مشارکتی در بازآفرینی در کنار شعاری شدن این رویکرد، ضرورت یافتن راهکاری عملیاتی از رویکرد مشارکتی را برای نگهداری و بهبود بافت‌های ارزشمند تاریخی شهری به ما ثابت می‌کند. بیشتر مدل‌های حال حاضر در بحث بازآفرینی، در صورتی که به اجرا برسند، در حد ایجاد تسهیلات سطحی (مانند کف‌سازی، جداره‌سازی و...) باقی می‌مانند؛ و این در حالی است که برنامه‌ریزی کافی برای سایر جنبه‌های بازآفرینی به‌علاوه‌ی حفظ و نگهداری تسهیلات ایجاد شده وجود ندارد. پژوهش حاضر قصد

دارد با بررسی یکی از الگوهای اجرایی موفق به تولید مدلی پیشنهادی در این زمینه بپردازد؛ مدلی که در عین کاربردی بودن، انعطاف بالایی دارد و با شهرها و محله‌های مختلف انطباق پذیر است. با توجه به عدم موفقیت طرح‌های احیای بافت‌های تاریخی و ناکارآمدی در ایران طی چند دهه‌ی اخیر، این پژوهش به بررسی و معرفی مدلی از بازآفرینی فرهنگ‌مینا در بافت تاریخی شیراز پرداخته است که در محدوده‌ی گذر سنگ سیاه به کار برده شده است. به بیان دیگر، می‌توان گفت هدف از این پژوهش تبیین چگونگی مداخله‌ی جریان بازآفرینی فرهنگ‌مینا در بافت‌های ناکارآمد شهری و ارائه‌ی الگویی جهت حفاظت پویا از بافت‌های تاریخی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های این تفکر است.

هرچند سراسر بافت تاریخی شیراز مملو از گنجینه‌های فرهنگی و تاریخی است، محله سنگ سیاه از آن جهت بررسی شده که در گذر اصلی آن تعداد بسیاری آثار تاریخی و اماکن مذهبی قرار گرفته است که با برخورداری از میراث معماری خاص شیراز مانند یک گنجینه‌ی شهری است. از جهتی دیگر تا زمانی که بازآفرینی در این محدوده انجام نشده بود، سنگ سیاه هم مانند سایر بخش‌های بافت تاریخی در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات بی‌شمار از جمله فرسودگی، خالی شدن از سکنه‌ی بومی و هجوم مهاجران با پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت، رکود اقتصادی، رواج فروش مواد مخدر و غیره بود. این در حالی است که اجرای رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مینا باعث شده که این محله نه تنها خود بهبود یابد، بلکه روح تازه‌ای به کل پیکره بافت تاریخی شیراز بدمد.

بافت در شهرسازی عبارت است از مفهوم فضایی ارگانیک و هم‌پیوند که در طول دوران حیات شهری در داخل محدوده‌ی شهر یا حاشیه‌ی آن در پیوند با شهر شکل گرفته باشد. بافت می‌تواند از بناها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آنها تشکیل شده باشد (شفایی، ۱۳۸۴: ۶). اهمیت بافت شهری را می‌توان به عنوان یک کل برای درک شهر ابراز کرد (Veldpaus et al., 2013: 5)- بافت‌های تاریخی، یکی از بخش‌های مهم شهرها هستند که نقشی اساسی در مسیر تحول ساختار فضایی-کالبدی شهرها دارند (پوراحمد و احمدی فرد، ۱۳۹۷: ۷۷). این بافت‌ها که عمدتاً در مراکز شهرها قرار دارند و نمایانگر منبع عظیمی از منابع اقتصادی و انسانی برای کل شهر هستند، چالش‌های جدی در زمینه‌ی توسعه شهری از جمله فقر، مسکن ناکافی، شرایط نامناسب زندگی، فقدان فرصت‌های شغلی و محرومیت از جریان اصلی فرایند توسعه‌ی شهری را تجربه می‌کنند (Historical district for all India, 2010). با هدف نجات بافت‌های فرسوده و قدیمی شهر طی قرون مختلف اقدام‌های متنوعی انجام گرفته است که از آن بین می‌توان به اقدامات اجرایی شدید، مانند تخریب کامل و بازسازی (مانند آنچه توسط هوسمان در پاریس قرن نوزدهم صورت گرفت) تا اقدامات بسیار سطحی مانند به‌سازی معابر و جداره‌ها اشاره کرد. سیاست بازآفرینی شهری یکی از این الگوهای اقدام است که با اجرای ناموفق طرح‌های به‌سازی و نوسازی شهری و به دنبال پایداری در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گرفت (مشکینی، موحد و احمدی‌فر، ۱۳۹۵: ۵۵۱).

بازآفرینی شهری به مثابه روایتی فراگیر و یکپارچه از مرمت شهری، جریانی است که از یک سو به تمامی وجوه و محدودیت‌های امر توسعه در بطن شهر موجود توجه می‌کند و از سوی دیگر به تدارک فرصت و استفاده از هر فرصتی برای تبدیل کردن آن به ابزار یا راهی برای رسیدن به توسعه می‌پردازد (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۸). بازآفرینی با از بین بردن عوامل منفی باعث بهبود محیط و از سوی دیگر منجر به خلق عوامل مثبت می‌شود (Ki et al., 2010: 278). در این زمینه ذکر این نکته ضروری است که سیاست بازآفرینی شهری در درجه‌ی اول با پویایی نهایی و سازمانی در مدیریت تغییر شهری سروکار دارد (Roberts, 2003: 21). و صرف توجه به بازآفرینی در مرحله برنامه‌ریزی منجر به عملیاتی شدن آن نخواهد شد. رویکرد بازآفرینی مشارکت مردم را به عنوان یکی از رکن‌های اصلی در نظر دارد، و در تمامی مراحل طرح‌های شهری، برنامه‌ریزی و اجرا، به مردم توجه دارد (Jenkins, 1998: 114). Hall & Jenkins).

با تأمل در منابع و بازخوانی سیر تحول بازآفرینی شهری، می‌توان رویکردهای اصلی را، که تا به امروز برای بازآفرینی شهری وجود داشته است، در شش محور اصلی خلاصه کرد شامل: ۱. فرهنگ‌مینا، ۲. محیط‌زیست‌مینا، ۳. طراحی‌مینا، ۴. اقتصادمینا، ۵. اجتماع‌مینا، ۶. قانون‌مینا (لطفی، ۱۳۸۹: ۴۸). از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ یا بازآفرینی فرهنگ‌مینا، پروژه‌های بازآفرینی سراسر اروپا را به صورت موج عظیمی تحت تاثیر قرار داده است، و بازآفرینی فرهنگ‌محور و استفاده از سرمایه‌های فرهنگی را به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه مرمت، بهسازی و نوسازی شهری مطرح کرده است (Kearns & Philo, 1993: 14). در این برداشت تازه، از این واقعیت که شهرها برای دوره‌های طولانی، عرصه‌های تولید فرهنگ و بسترهای نوآوری‌های فرهنگی بوده‌اند و ذائقه‌ی هنری، سلیقه و گرایش به انواع مُد، در آن‌ها تکوین یافته است، بهره برداری شده؛ و از آنجایی که علیرغم تغییر

بسیاری از سازوکارهای اقتصادی، جریان ایجاد ذائقه و تغییر مُد بیش از همیشه در آنها حضور دارد، بر امکان استفاده از همین نقش تاریخی به عنوان راهبردی اساسی در ادامه حیات شهرها تاکید شده است (لطفی، ۲۰۱۱: ۴۹). در این مدل، فعالیت‌های فرهنگی به عنوان کاتالیزور و موتور بازآفرینی به حساب می‌آیند (صفدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۷). لازم به ذکر است که بازآفرینی فرهنگ‌مبنا در دسته‌ی بازآفرینی‌های مبتنی بر مشارکت قرار می‌گیرد. در جدول پیش‌رو چگونگی مشارکت فرهنگ در زمینه‌های مختلف بازآفرینی به صورت خلاصه آمده است.

جدول ۱. مشارکت فرهنگ در زمینه‌های مختلف بازآفرینی

| وزن شاخص‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    | زمینه مشارکت فرهنگ در بازآفرینی   |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------|
| استفاده‌ی مجدد از ابنیه‌ی خالی؛ ارتقاء کیفیت محیط‌زیست؛ استفاده‌ی فزاینده‌ی عمومی از فضا که منجر به کاهش نابودی اموال عمومی و افزایش امنیت می‌شود؛ احساس غرور در یک مکان؛ توسعه‌ی فضای کار/زندگی و با کاربری مختلط؛ به‌کارگیری هنرمندان در گروه‌های طراحی؛ ادغام ایده‌های فرهنگی در برنامه‌های آینده.                                                                                                                                                                                                                          | مشارکت فرهنگ در بازآفرینی کالبدی  |
| سرمایه‌گذاری درونی (نیروهای بخش خصوصی/عمومی)؛ خرج کردن پول بیشتر (تمایل به پرداخت بیشتر) توسط ساکنین و بازدیدکنندگان؛ اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم؛ ایجاد درآمد؛ نگاه‌داشتن افراد تحصیل‌کرده در محل (هنرمندان/خلاقان)؛ تنوع مشاغل و نیروی کار (سطح مهارت‌ها)؛ محرک توسعه در مناطق کسب‌وکار، مراکز خرده‌فروشی و تفریحی جدید؛ مشارکت روزافزون بخش خصوصی و عمومی و گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه؛ مشارکت‌های بیشتر در بخش‌های فرهنگ محلی (که به افزایش تمایل به پرداخت منجر شود)؛ افزایش قیمت املاک و مستغلات (مسکونی و اداری). | مشارکت فرهنگ در بازآفرینی اقتصاد  |
| غیر نگرش و ادراک ساکنین از محل سکونت خویش؛ تقویت اعتمادبه‌نفس و اشتیاق در افراد؛ ابراز صریح‌تر ایده‌ها و نیازهای فردی و جمعی؛ افزایش فعالیت‌های داوطلبانه؛ بهبود و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، معیارها و شبکه‌هایی که عملکرد جمعی را ممکن می‌سازند؛ تحول و دگرگونی اعتبار یک مکان و ساکنین آن؛ مشارکت بخش‌های خصوصی/عمومی و گروه‌های داوطلبانه؛ دستیابی به سطح آموزش بالا.                                                                                                                                                        | مشارکت فرهنگ در بازآفرینی اجتماعی |

## روش پژوهش

شیوه‌ی انجام پژوهش حاضر، به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. اطلاعات مد نظر هم از منابع متنوع کتابخانه‌ای و طرح‌های بالادستی مرتبط با بازآفرینی شهری جمع‌آوری و تحلیل شده است؛ و هم بخشی از مطالعات به صورت مشاهده و مصاحبه در محدوده‌ی گذر سنگ سیاه صورت گرفته است. در بخش مشاهده به بررسی نتایج اقدامات صورت گرفته در محله پرداخته شده که در بخش یافته‌ها در غالب عکس به نمایش در آمده است؛ و اقدامات انجام شده در این پهنه با محوریت بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بررسی شده‌اند.

در بخش مصاحبه، با ۱۷ نفر از افرادی که در روند بازآفرینی این محله همکاری داشته‌اند جهت شکل‌دهی به الگوی پیشنهادی، مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. نام و سیمت این افراد را می‌توان در پیوست شماره‌ی یک مشاهده کرد. این نوع مصاحبه که در تحقیقات کیفی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار قرار می‌گیرد که به آن مصاحبه‌ی عمیق هم می‌گویند. در مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته از تمام پاسخگوها سوال‌های مشابهی پرسیده می‌شود، اما آنها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که مایلند ارائه دهند. در این مورد مسئولیت رمزگردانی پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آنها بر عهده‌ی محقق است. در بخش مصاحبه، برای شناخت روند به کار برده شده در محله‌ی سنگ سیاه و نهایتاً شکل‌دهی به الگوی مناسب، به‌ویژه از معیارهای مشارکت فرهنگ‌مبنا در زمینه‌های مختلف، در جدول شماره‌ی یک، استفاده شده است. در آخر، با توجه به هر دو نوع مطالعه، معیارهایی جهت شکل‌دهی به بازآفرینی فرهنگ‌مبنا استخراج شده و در نهایت راهبردهای بازآفرینی متناسب با این معیارها جهت ارتقاء کیفیت بافت، حفظ عناصر بارزش و اتصال آنها به یکدیگر در غالب نمودار ارائه شده است.

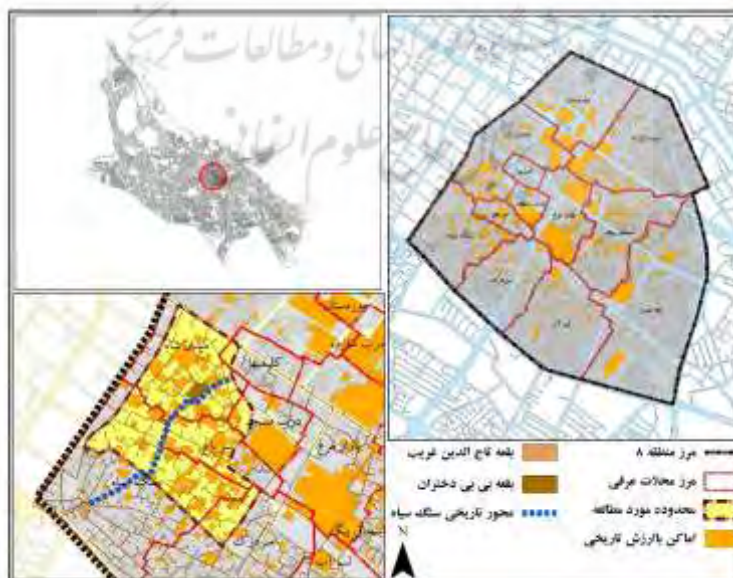
## قلمرو جغرافیایی پژوهش

بافت قدیم به عرصه‌هایی از محدوده‌ی قانونی شهرها اطلاق می‌شود که قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی شکل گرفته است. در واقع، منظور زمانی است که هنوز تغییرات و تحولات تکان‌دهنده و دگرگون کننده دوران پهلوی اول شروع نشده و مداخله در این

بافت‌ها باید با دیگر مناطق شهر متفاوت باشد (عسکری‌پور گلوپک، فرازند و عسکری‌پور گلوپک، ۱۳۹۲: ۴). به عبارتی، این نوع از بافت به دور هسته‌ی تاریخی تنیده شده است و انتهای مرحله‌ی زمانی و شکل‌گیری آن به دوران قاجار می‌رسد (حبیبی، پوراحمد و مشکینی، ۱۳۸۶: ۶۸). بافت تاریخی شهر شیراز با ۳۷۰ هکتار وسعت، به عنوان یکی از گستره‌های مهم شهری در کشور به شمار می‌آید که دربرگیرنده‌ی آثار و بازمانده‌های قرون ۳ تا ۱۴ هجری قمری است (حکمت نیا و احمدی، ۱۳۹۵: ۴). این محدوده‌ی باارزش شهری همان‌طور که در بازنگری طرح تفصیلی بافت تاریخی شیراز بیان شده، بخشی با پتانسیل‌های فراوان است. از پتانسیل‌های این بافت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قطب معنوی شهر و قطب زیارتی در سطح ملی؛ پهنه‌ی برتر در حوزه‌ی گردشگری و فراغت در سطح ملی؛ کانون انباشت خاطرات جمعی و ارزش‌های تاریخی شهر شیراز؛ بخشی از بازار مرکزی شهر شیراز؛ برخورد از عرصه‌های پشتیبان توسعه؛ دارای الگوهای نهادینه شده‌ی مرمت و پایش دائمی (پرداز، ۱۳۸۹). این بافت نه تنها نشان دهنده سلیقه و علم گذشتگان است، بلکه ارزش میراثی دارد و حفاظت و نگهداری از آن در اصل حفاظت از هویت شهر است. محدوده‌ی مورد بررسی در پژوهش حاضر، مربوط به محله‌ی اطراف گذر تاریخی سنگ سیاه است؛ از این رو ابتدا این گذر معرفی می‌شود.

با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه‌های گوناگون و با در نظر گرفتن معیارهای مختلف تاریخی، کالبدی و فضایی، کارکردی و همچنین شبکه معابر، تعدادی از محوره‌های موجود در بافت تاریخی واجد ارزش‌های ویژه بوده و ضمن در نظر گرفتن نقش‌های گذشته و حال و همچنین عملکرد آنها در سلسله‌مراتب، به عنوان گذرهای تاریخی معرفی می‌شوند (پرداز، ۱۳۸۹: ۵۳). در محدوده‌ی بافت تاریخی شیراز ۱۷ گذر تاریخی تعریف شده که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند و در پژوهش حاضر گذر سنگ سیاه مورد بررسی قرار گرفته است.

این گذر در محدوده‌ی غرب بافت تاریخی، حد فاصل میدان شاه و محله‌ی سنگ سیاه، واقع شده که از جنوب به بلوار سیبویه و از شمال به خیابان پیروزی منتهی می‌شود. طول تقریبی گذر ۸۱۰ متر و جهت غالب آن شمال شرقی-جنوب غربی است. عرض این معبر بین ۲ تا ۱۵ متر در نوسان و متوسط عرض آن ۳/۵ متر است. آرامگاه سید تاج‌الدین غریب در جنوب غربی بافت تاریخی، به عنوان نقطه‌ی ابتدا و بقعه‌ی بی‌بی دختران به عنوان نقطه‌ی انتهایی گذر در محله‌ی درب مسجد دو کاربری مذهبی آغاز و پایان این گذر محسوب می‌شوند. یکی از غنی‌ترین گذرهای بافت تاریخی شیراز به لحاظ ارزش‌ها و کیفیت‌های فضایی و کالبدی و کارکردی، گذر سنگ سیاه است. شاید به ندرت بتوان در بافت تاریخی شیراز و هر بافت مشابه تاریخی، گذری با چنین ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تاریخی و مذهبی پیدا کرد (پرداز، ۱۳۸۹: ۱۱). از جمله ابنیه‌ی ارزشمند این گذر می‌توان به مجموعه‌ی مشیر، مسجد و باغ ایلخانی، بقعه‌ی بی‌بی دختران، آرامگاه سید تاج‌الدین غریب، بقعه‌ی سیبویه، کلیسای ارامنه، مسجد میرزا هادی امام و چندین خانه‌ی با ارزش تاریخی مانند خانه‌ی ضیاییان، خانه سعادت، خانه زارع، خانه معزی و ... اشاره کرد.



شکل ۱ موقعیت جغرافیایی بافت تاریخی شیراز، گذر سنگ سیاه و محدوده مورد مطالعه در بافت تاریخی

همان‌طور که در شکل شماره یک می‌توان مشاهده کرد، محدوده‌ی مورد مطالعه، با نام محله‌ی سنگ سیاه در پژوهش حاضر، در اصل با بخش‌هایی از محلات عرفی میدان شاه، سر باغ، سردزک و محله سنگ سیاه هم‌پوشانی دارد. مساحت این محدوده حدوداً ۲۹۶۰۰۰ متر مربع است و نزدیک به چهارده هزار بنا در آن قرار دارد. امروزه این محدوده، موفق‌ترین بخش بافت تاریخی شیراز از جهت بازآفرینی، جذب مجدد سکنه، جذب گردشگران و سرمایه‌گذاری‌های گردشگری محسوب می‌شود. در ادامه چگونگی پیشرفت این روند و ارائه‌ی الگویی برای رونق بازآفرینی سایر بافت‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در شکل (۱) موقعیت نسبی گذر اصلی سنگ سیاه در شهر شیراز و موقعیت آن در محلات تاریخی این شهر با خط آبی مشخص شده است. همچنین می‌توان تصویر دقیق‌تر این گذر با توجه به دو بقعه‌ی مذهبی شروع و پایان آن (بی‌بی دختران و سید تاج‌الدین غریب) به علاوه محدوده‌ی اطراف گذر سنگ سیاه را، که با نام محله‌ی سنگ سیاه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، در این نقشه مشاهده کرد.

## یافته‌ها و بحث

### روند بازآفرینی فرهنگ‌مبنا محله‌ی سنگ سیاه

طرح توسعه‌ی محله‌ی سنگ سیاه در سال ۱۳۹۲ درحالی شروع به کار کرد که این محدوده مانند سایر بخش‌های بافت تاریخی شیراز، با مشکلات زیادی درگیر بود. عمده‌ترین این مشکلات عبارت بودند از: تخریب بی‌رویه ابنیه‌ی تاریخی و باارزش، عدم انسجام ساختار فضایی-کارکردی بافت، عدم شکل‌گیری فضاهای شهری در خور نقش بافت تاریخی در سطح ملی و بین‌المللی، عدم انسجام ساختار اجتماعی بافت (امنیت، بهداشت، فرهنگ) و عدم تأمین منابع پایدار درآمدی برای شهر و شهرداری. در نتیجه‌ی این شرایط بود که بافت دچار ایست کامل توسعه شده بود.

با توجه به شرایط موجود، ابتدا لازم است الگویی در جهت موقعیت ابتدایی بافت تاریخی شهر (۱۳۹۲) و روندی که تا رسیدن به موقعیت ایده‌آل باید طی کند معرفی شود. برای معرفی الگوی احیای بافت شهری، از الگوی مراحل تکامل شهر ارائه شده توسط پاتریک گدس و لوئیس مامفورد استفاده شد. در این نگرش شهر از ۶ مرحله به شرح زیر عبور می‌کند: نوزاد شهری، شهری، مادر شهری، کلانشهری، تباه شهری و مرده شهری (فرید، ۱۳۹۰: ۸). نگرش مامفورد و گدس از نقطه صفر شروع می‌شود، به اوج می‌رسد و نهایتاً به نابودی محکوم می‌شود. اما پژوهش حاضر در سطح شهر نیست و به محله محدود است؛ به‌علاوه، نگرش بازآفرینی مد نظر است که قصد دارد جلوی روند نابودی بافت را بگیرد. در نتیجه، نگرش کاملاً برعکس و از موقعیت مرده شهری که بدترین حالت است به سمت بهترین موقعیت حرکت خواهد کرد. در این شکل شماره ۲ نه تنها به عنوان چگونگی روند احیاء حیات بافت شهری از بدترین حالت (مرگ دائمی بافت) معرفی شده، بلکه مرحله‌ی هفتم با عنوان خودشکوفایی را با تمرکز بر آینده درنظر گرفته است.



شکل ۲. حیات بافت شهری

برای عملیاتی شدن تغییرات بافت، لازم بود حرکت از پایین‌ترین سطح به سمت پیشرفت در فاز بندی‌های مختلف انجام شود. به همین دلیل در فاز اول که پایه‌ی اقدامات نیز محسوب می‌شود، طرح بازآفرینی محله سنگ سیاه قصد داشت که این محدوده را از سطح F به سطح D برساند، یعنی سطحی که بعد از آن توسعه و بازآفرینی بافت با ورود بخش خصوصی و هزینه کرد بخش عمومی تا حدی به خودی خود ممکن شود. در فاز دوم از مرحله C به بعد، توسعه حاصل بروز اثرات ناشی فاز اول است و بازیرگر اصلی بخش خصوصی می‌شود و بخش عمومی تنها نقشی ستادی به خود می‌گیرد. با این وجود بخش عمومی همچنان نقش

مهمی دارد زیرا نقطه‌ی شروع امر توسعه در بافت تاریخی با فعالیت و برنامه‌ریزی این بخش آغاز می‌شود. اقدامات انجام شده‌ی فاز یک در محله‌ی سنگ سیاه برای حرکت به سمت سطح A و جلوگیری از مرگ دائمی بافت به واسطه کمک‌ها، پروژه‌ها و اقدامات ریشه‌ای و ساختاری با سه شاخه‌ی اصلی در سال ۱۳۹۲ آغاز و تا سال ۱۳۹۵ ادامه داشت. این شاخه‌های اصلی عبارتند از: اقدامات عاجل و فوری، پروژه‌های محرک زندگی و طرح‌های دارای اثرات ناشی. در این راستا، لازم بود عملکرد طرح‌های پیشین جهت احیاء بافت‌های تاریخی در ایران مورد بررسی قرارگیرد. به صورت کلی این طرح‌ها را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد که در جدول (۲) به معرفی هر الگو و نکات مثبت و منفی آن پرداخته شده است:

جدول ۲. الگوهای موجود در امر بازآفرینی بافت تاریخی

| الگو                                                                          | فرض                                                                                                                                                                                                                                                                                       | پیامدهای اصلی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                |
|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| اقدامات عاجل و اضطراری                                                        | ساخت مدیریتی و ستادی و توانمندی‌های مالی و اجرایی مشابه وضعیت موجود است.<br>- بودجه در حد اقدامات عاجل<br>- نگاه مدیریتی مسئله محور                                                                                                                                                       | ۱. از دست رفتن فرصت‌های توسعه و از بین رفتن ارزش‌های میراثی و اجتماعی در کوتاه مدت                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| اقدامات بازسازی در محدوده‌های وسیع (برنامه پایلوت و پهنه منتخب مرمت و بهسازی) | ساخت مدیریتی و ستادی مشابه وضعیت موجود است؛ اما توانمندی‌های مالی و اجرایی نسبت به وضعیت موجود ارتقاء یافته‌تر است.<br>- بودجه در حد اقدامات نمونه‌ای و پایلوت<br>- اقدامات عاجل در اولویت قرار دارند<br>- تکیه بر برنامه‌های موردی و حفظ بخشی از بافت                                    | ۱. اقدامات صرفاً در محدودی پایلوت و پهنه منتخب مرمت و بهسازی باقی می‌ماند.<br>۲. عدم توانایی در حفظ ارزش‌های تاریخی بافت و بهره‌گیری از فرصت‌های اصلی توسعه<br>۳. بهبود مقطعی حوزه‌هایی از بافت و بازگشت تدریجی مسائل در طول زمان                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
| بافت به مثابه‌ی عرصه نوسازی و توسعه گسترده                                    | پاسخ سریع به مسئله‌ی کیفیت سکونت و فرسودگی از طریق مداخله‌های گسترده و بازسازی بافت.<br>نگاه در این الگو ظاهراً مبتنی بر ارائه‌ی راهکاری سریع و اجرایی برای حل مسئله‌ی کیفیت سکونت است. اما در باطن، این فرایند زمینه‌ای اقتصادی داشته و منفعت حال را بر منفعت تاریخی ارجح ارزیابی می‌کند | ۱. موضوع حفاظت و مرمت به آثار تاریخی ثبت شده محدود می‌شود. و کلیت بافت مورد بازسازی و نوسازی قرار می‌گیرد.<br>۲. بخش خصوصی جریان اصلی توسعه را عهده‌دار است و طرح از منطق اقتصادی کامل برخوردار است و انگیزاننده‌ی بخش خصوصی است.<br>۳. بخشی جدی از ارزش‌های تاریخی در فرایند توسعه از دست می‌روند.<br>۴. ساخت اجتماعی بافت دچار تغییرات گسترده شده و ارزش‌هایی متفاوت با پیشینه‌ی بافت شکل می‌گیرد.<br>۵. در عمل به دلیل عدم امکان تأمین مالی مناسب و به موقع، پهنه‌های گسترده‌ای از بافت تخریب و برای مدت طولانی به حال خود رها می‌شود که این عامل بزرگترین ضرر را برای آینده‌ی بافت و انگیزه‌های توسعه آتی آن خواهد داشت. |

همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده، با وجود این که هر الگو نکات مثبتی دارد، پیامدهای حاصل از اجرایی کردن این الگوها همگی هزینه‌های هنگفت اجتماعی، میراثی و مالی دارند. در نتیجه، در فرایند بازآفرینی فرهنگ مبنای محله‌ی سنگ سیاه از تمامی این روش‌ها الگوبرداری شد و با توجه به ویژگی‌های خاص موجود، یک الگوی جدید مبتنی بر ایجاد تعادل میان الگوهای حفاظتی مطلق در برابر الگوهای توسعه‌ی مطلق ارائه شد. در این الگوی جدید، بافت به دو پهنه‌ی مرمت-احیاء و نوسازی تقسیم می‌شود. این الگو نگاهی میانه‌رو به آینده‌ی بافت دارد و از اقدامات افراطی در بافت پرهیز می‌کند؛ صرفاً به ظرفیت‌های نوسازی و بازسازی در بافت و نیز ضرورت‌های حفاظت و مرمت می‌پردازد. توان مدیریتی در راستای ایفای نقشی اجرایی در کوتاه‌مدت و نقشی ستادی در درازمدت معطوف می‌شود و بخش خصوصی نیز با توان بارگذاری و توسعه بافت و با در نظر گرفتن مزیت‌های مکانی بافت تاریخی وارد میدان می‌شود. با توجه به معیارهای بررسی شده الگوهای پیشین در جدول (۲)، مفروضات و پیامدهای این الگوی جدید را می‌توان به این صورت توضیح داد:

## مفروضات

- حرکت تدریجی از نقش اجرایی مدیریت شهری به نقش ستادی و توجه به ظرفیت‌های بافت در برنامه‌ریزی توسعه.
- بودجه محدود در کوتاه مدت صرف اقدامات زیربنایی می‌شود.
- مدیریت شهری نقش ستادی در پیشبرد اهداف طرح و هدایت بخش خصوصی دارد.
- رویکرد از اجرای اقدامات عاجل به اجرای برنامه ریزی شده معطوف است.
- بهبود تدریجی با تأکید بر تأمین زیرساخت‌ها و ارتقاء مزیت‌های مکانی بافت در دستور کار است.

## پیامدهای اصلی

- نگاه مرمتی و احیاء و حفاظت فعال در حوزه‌ی دارای بیشترین تجمع آثار ارزشمند.
  - نگاه مبتنی بر نوسازی در سایر پهنه‌های بافت.
  - در کلیت محدوده حفظ آثار و ارزش‌های تاریخی در اولویت برنامه‌ای قرار دارد.
  - بخش خصوصی فعال شده و قسمت عمده‌ی فرایند نوسازی و احیاء را بر عهده دارد.
  - توسعه برنامه محور، و مبتنی بر تعادل بین ظرفیت‌های نوسازی و توسعه و ضرورت‌های حفاظت و مرمت است.
- در جمع بندی این الگوی جدید می‌توان گفت آنچه در تخمین الگوی محتمل بافت و در پی آن تعیین سناریوی مناسب توسعه بافت مدنظر بود، پایبندی بر رویکرد اصلی مبتنی بر حفاظت از ارزش‌های تاریخی بافت بوده است. سناریوی مناسب، الگویی را تبیین کرد که در پی آن تعادلی بین رویکردهای توسعه و ضرورت‌های حفاظت برقرار شد. در این سناریو ارزشمندترین پهنه‌های بافت (شامل گذرهای تاریخی و پهنه‌ی تجمع آثار ارزشمند میراثی) به عنوان پهنه‌ی حفاظت و مرمت پیشنهاد شدند؛ که در این پهنه کلیه طرح‌ها و امکان نوسازی و بازسازی همگی بر پایه‌ی مفاهیم و ادبیات حفاظت و مرمت استوار شده‌اند. در مقابل در سایر پهنه‌های بافت که فاقد آثار ثبتی بوده و یا هرگز بخشی از پهنه‌ی اصیل بافت تاریخی نبوده‌اند، بسته به ظرفیت‌های محیطی (شامل دانه بندی، تاسیسات و عرض شبکه) با رویکردهای مبتنی بر بازسازی و نوسازی برنامه‌ریزی انجام شد. جمع بندی مهم ترین ایده‌های طرح را می‌توان در جدول (۳) مشاهده کرد:

جدول ۳. محورها و ایده‌های برنامه بازآفرینی فرهنگ مینا اجرا شده در محله سنگ سیاه

| محورهای برنامه‌ای      | ایده‌های اصلی طرح                                                                                                                                                                                                  |
|------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نقش عملکردی            | - زمینه‌سازی شکل‌گیری عملکردهای گردشگری-فرهنگی عمده و بزرگ مقیاس به مثابه‌ی مرکز فرهنگی و قطب گردشگری شهر<br>- تنوع‌بخشی نظام فعالیتی و عملکردی مجموعه با تکیه بر ظرفیت‌ها و موقعیت پروژه                          |
| شبکه‌ی محلی - عمق بافت | - تأمین پارکینگ درون محله‌ای<br>- تأمین شبکه سواره در تمام بافت (با شعاع دسترسی حداکثر ۱۵۰ متر)<br>- پیاده‌راه کردن گذرهای تاریخی بافت (سنگ سیاه، حاج زینل، ایلخانی و ...)<br>- احیاء گذرهای تاریخی و ...          |
| سکونت                  | - تأکید بر احیاء کیفیت‌های فضایی به مثابه مزیت مکانی سکونت در محدوده‌ی بافت تاریخی<br>- تحریک‌بخشی و احیاء زندگی و سکونت رفاه‌مند در محدوده‌ی بافت تاریخی<br>- بهسازی، نوسازی و ارتقاء کیفیت محیطی در محدوده‌ی طرح |
| سرمایه گذاری           | - بسترسازی جلب و جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و مردمی در محدوده‌ی مدنظر<br>- ارائه‌ی ضوابط و سیاست‌های تشویقی جهت تسهیل در امور و ورود سرمایه‌گذار<br>- ارائه بسته‌های تخفیف عوارض در بافت تاریخی           |
| نقش فرهنگی             | - برگزاری جشنواره و فستیوال‌های فرهنگی-هنری در فصول مختلف<br>- برگزاری همایش، نشست‌ها و ...<br>- احیاء خاطرات جمعی و گروهی و ...                                                                                   |

همان‌طور که دیده شد تا اینجا الگوی جدیدی برای بازآفرینی فرهنگ مینای محله‌ی سنگ سیاه شیراز معرفی شده بود. از این مرحله به بعد چگونگی این عملکرد در غالب اجرای طرح‌ها مشخص می‌شد.

در گام نخست به اجرای جشنواره‌های فرهنگی و هنری پرداخته شد تا نوعی شوک را در محله ایجاد کند. این شوک نه تنها به نفع سکنه بود که از حالت کرختی محله خسته شده بودند و این جشنواره‌ها سرزندگی را با خود به همراه می‌آوردند بلکه، برای سایر افراد مقیم شیراز که خود را جدا از این قلب تاریخی می‌دانستند نیز مفید بود زیرا برگزاری آن‌ها، راه را برای آمدن به محله آسان کرد. البته این شوک هدفی ثانویه نیز داشت که چگونگی برخورد سکنه با تغییرات را نشان می‌داد. همان‌طور که انتظار می‌رفت،

همه از این تغییر استقبال نکردند ولی این تنها آزمایشی بود برای آگاهی از خط فکری و سلیقه‌ی سکنه و در کنار آن بدست آوردن الگوی مناسب برای کنش متقابل. چند مورد از این رویدادها که از سال ۱۳۹۳ در بافت اجرا شدند عبارتند از: برگزاری جشنواره فرهنگی هنری سی‌راه ۱ و ۲؛ برگزاری مسابقات ملی زی‌بازیافت ۲ و ۳ و ۴؛ برگزاری جشنواره فرهنگی طاقچه‌ی کتاب به مدت ۱۰ هفته؛ برگزاری مراسمات آیینی عروس نارنج، شب یلدا، عروسک گردانی جیجی بیجی (فولکلور شیراز)؛ انعقاد تفاهم نامه بین شهرداری شیراز با یونسکو، UN-Habitat و سازمان ملل؛ برگزاری تورهای گردشگری با دوچرخه و پیاده بصورت هفتگی؛ دعوت از دانشگاهیان در قالب همایش روز بین المللی ورزش دانشگاهی، برگزاری تورهای تخصصی از جمله عکاسی، برگزاری نشست‌ها و همایش‌های تخصصی و مرتبط و غیره. می‌توان گفت مهم‌ترین دست‌آورد این رویدادها گذر از ذهنیت به عینیت بود. رویدادهای برگزار شده با ایجاد فضای شهری نه تنها توجه سرمایه‌گذاران را جلب کردند، بلکه مشکلات موجود را نیز واضح‌تر نشان دادند. در ادامه تصویر تعدادی از این اقدامات ارائه شده است.

### اجرای جشنواره‌های فرهنگی و هنری در بافت تاریخی شیراز با محوریت گذر سنگ سیاه



شکل ۴. بازدید از خانه تاریخی در بافت توسط هیات یونسکو

شکل ۳. بازدید اساتید، دانشجویان و فرهیختگان از اولین نمایشگاه عکاسی میراث فرهنگی ناملموس در شیراز



شکل ۶. همایش روز بین المللی ورزش دانشگاهی شیراز در بافت تاریخی

شکل ۵. پرفورمنس اجرا شده در جشنواره زی‌بازیافت در بافت تاریخی

هم‌زمان و گاهی مقدم بر این فعالیت‌های فرهنگی، جنبه‌ی زیربنایی و هماهنگ‌سازی سازمان‌ها نیز صورت می‌گرفت که هم مانع موازی کاری و از دست رفتن منابع شد و هم همکاری سازمان‌ها را به بهترین شکل صورت داد. از جمله فعالیت‌های این دسته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: برگزاری جلسه با کلیه ارگان‌ها جهت احداث تونل مشترک؛ ورود سرمایه‌گذار جهت احیاء گذرهای تاریخی و گردشگری؛ جلسه با سازمان آتش نشانی جهت تسهیل در روند مجوزهای گردشگری و در راستای ارتقاء ایمنی؛ جلسه با علوم پزشکی در راستای ارتقاء بهداشت؛ جلسه با مجموعه‌های امنیتی (سازمان موارد مخدر-نیروی انتظامی، سپاه، اماکن عمومی و...) در راستای ارتقاء ایمنیت؛ استفاده از ماشین‌های برقی در بافت برای اولین بار در شیراز، برگزاری نشست‌ها و همایش‌های

تخصصی و غیره. همان طور که ذکر شد، این الگو به صورت هم‌زمان تمام بخش‌های درگیر و ذی‌نفعان و بویژه سکنه را درگیر فرآیند بازسازی محله‌ی سنگ سیاه کرد و در نتیجه زمانی که در سال ۱۳۹۶ محله‌ی سنگ سیاه به مرحله‌ی D رسیده بود، بخش خصوصی با رغبت برای سرمایه‌گذاری در این محله اقدام می‌کرد و در عین حال نقش بخش عمومی به نظارت تغییر یافته بود. البته تزریق فعالیت‌ها و جذب بخش خصوصی نیز کاری دشوار بود که با گذشتن از مراحل زیر ممکن شد:

ابتدا دو اقامتگاه به عنوان نمونه شروع به ساخت و مرمت کردند؛ با این هدف که بتوان پتانسیل‌های خانه‌های سنتی بافت به عنوان هاستل را به صورت عینی به بخش خصوصی نشان داد تا آنها به سرمایه‌گذاری ترغیب شوند. پس از جلب توجه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و عبور از مرحله‌ی مرمت، تعداد بسیار کمی از اقامتگاه‌ها فعالیت گردشگری-اقتصادی را در این بخش آغاز کردند و در مرحله‌ی بعد خدمات پشتیبان مرتبط مانند کافه‌ها، گالری‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز بهداشتی و ... شکل گرفتند. در ادامه می‌توان تصویر چند مورد از فعالیت‌ها و اقدامات ذکر شده را مشاهده کرد.

### ابنیه‌ی بازسازی شده با کاربری اقامتگاه و رستوران در محله سنگ سیاه

قبل



بعد

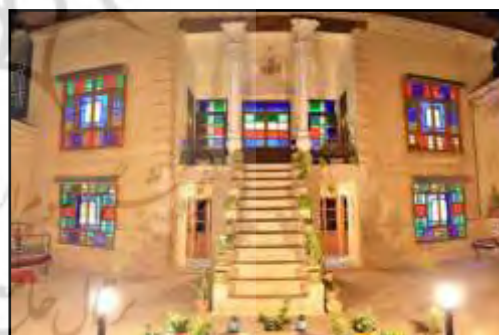


شکل ۷. هتل سنتی فروغ از مجموعه طرح‌های تجدید بنا در محدوده‌ی مورد مطالعه با الگوی معماری سنتی

قبل



بعد



شکل ۸. هتل سنتی سی‌راه از مجموعه طرح‌های به‌سازی و تغییر کاربری در محدوده‌ی مورد مطالعه



شکل ۹. ایجاد پارکینگ، کف‌سازی، مبلمان و فضای سبز، گذر سنگ سیاه در مجاورت بازارچه‌ی آرامنه

## فعالیت اقتصادی ایجاد شده در روند بازآفرینی و فعالیت نشستی ناشی از فعالیت‌های اقامتگاهی



شکل ۱۱. راه اندازی سرای هنرمندان در محله‌ی سنگ سیاه، گالری و اقامتگاه



شکل ۱۰. ایجاد کارگاه بافندگی در مسجد میر هادی، واقع در محله‌ی سنگ سیاه

اکنون محله‌ی سنگ سیاه در مرحله گذر از مرحله D به مرحله C به سر می‌برد و اقدامات کالبدی-فعالیتی صورت گرفته در این محدوده شامل ۶۰ مورد سرمایه‌گذاری، ۱۲۳ مورد نوسازی، ۷۹ مورد مرمت و احیا و ۱۰ مورد پروژه‌های محرک است. لازم به ذکر است که هرچند این اعداد دائم در حال افزایش هستند، باید توجه داشت که این پایان کار نیست و هنوز تا نقطه‌ی ایده‌آل که بافت به خودشکوفایی برسد، راه زیادی پیش‌رو است. در ادامه‌ی مسیر، در بحث بازآفرینی شهری بافت تاریخی، تلاش بر این است که محله‌ی سنگ سیاه به برند بازآفرینی و گردشگری تبدیل شود. به عبارتی سعی در برندسازی یا کشف و ایجاد برخی تمایزات که یک مکان را از مکانی دیگر متمایز می‌سازد و مزیت رقابتی برای آن به ارمغان آورد دارد (Kavaratzis & Hatch, 2012:70). در واقع هدف کلیدی برندسازی شهری، بازتعریف تصویری واضح، منحصر به فرد و مخاطب محور از شهر است؛ برندسازی شهری، به دنبال خلق تصویری شفاف و منحصر به فرد است که مخاطبان زیادی از جمله گردشگران داخلی و خارجی و سکنه دارد (Kavaratzis, 2004:65).

## نتیجه‌گیری

با توجه به روندی که تاکنون محله‌ی سنگ سیاه شیراز طی کرده و موفقیت چشم‌گیری را ارائه کرده، در این بخش الگویی برگرفته از این مدل ارائه می‌شود که مراحل بعدی را نیز معرفی می‌کند. برای شکل دهی این روند با ۱۷ نفر از افرادی که در روند بازآفرینی محله‌ی سنگ سیاه دخیل بودند مصاحبه صورت گرفت. در مصاحبه‌ی انجام شده، ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بازآفرینی فرهنگ مینا طبق جدول (۱) مورد بحث و بررسی قرار گرفتند؛ تا هم نظم و تقدم و تأخر مراحل و هم اهمیت رسیدگی به هر کدام مشخص شود. نتیجه این مصاحبه‌ها و بررسی اسناد در قالب شکل (۱۲) ارائه شده است. این نمودار نمایانگر الگویی کاربردی جهت بازآفرینی فرهنگ مینا است. با امید به این که در سایر طرح‌های بازآفرینی شهری این روش که صرفاً نام فرهنگ مینا و مشارکتی را به دوش نمی‌کشد بلکه عملاً آن‌ها را به تحقق می‌رساند و دائم در حال اصلاح و پیشرفت است، مورد الگو برداری و استفاده قرار گیرد. همان طور که در شکل (۱۲) قابل مشاهده است، الگوی پیشنهادی فرهنگ مینا در ده مرحله دسته بندی شده است که گاهی برخی از این مراحل هم‌زمان هم انجام می‌شوند و برخی دیگر حاصل نتیجه بخشی مراحل قبلی هستند. با قرار دادن این الگو در کنار روند حیات بافت شهری می‌توان موقعیت تک تک این مراحل را در تطبیق با حیات بافت شهری مشاهده کرد و متوجه شد که با یکپارچه شدن بافت شهری می‌توان به خودشکوفایی آن بافت رسید. نکته‌ی حائز اهمیت در این الگو، انعطاف آن و جریان عملکرد بین مراحل در تمام روند است. به این معنی که ممکن است مرحله‌ی ۳ هم زمان با مرحله‌ی ۵ انجام شود یا اجرای بخشی از آن در سایر مراحل ادامه داشته باشد. لازم است که بخش مدیریت و برنامه‌ریزی با توجه به شرایط خاص هر بافت این الگو را هماهنگ‌سازی کند. در توضیح الگوی پیشنهادی به‌طور خلاصه می‌توان گفت که این الگو با مطالعه و شناخت محدوده آغاز می‌شود. مرحله دوم ایجاد همکاری بین تمامی سازمان‌ها و افراد ذی‌نفع است که مرحله‌ای زمان‌بر بوده و به اعتمادسازی بین بخش‌های مختلف می‌انجامد. در مرحله‌ی سوم هم‌زمان برگزاری رویدادها، زمینه‌ی تزریق فعالیت‌ها از طریق ایجاد تعدادی فعالیت اقامتی فراهم می‌شود (پیوست‌های شماره دو و سه). در مرحله‌ی چهارم در نتیجه تزریق فعالیت‌های عمدتاً



## تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

## منابع

- آیت، نرگس سادات. (۱۳۸۷). بازآفرینی شهری در بافت کهن شهر سمنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. <https://lib.ut.ac.ir/site/catalogue/1366334>
- پرداز. (۱۳۸۹). بازنگری طرح تفصیلی منطقه ۸ (بافت تاریخی) شیراز؛ شناخت و تحلیل وضعیت موجود، جلد دوم-مطالعات ابنیه ارزشمند و گذرهای تاریخی (ویرایش اول). وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری شیراز.
- پرداز. (۱۳۸۹). بازنگری طرح تفصیلی منطقه ۸ (بافت تاریخی) شیراز؛ شناخت و تحلیل وضعیت موجود، جلد چهارم-مطالعات ساختاری کالبدی و نظام فعالیتی (ویرایش اول). وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری شیراز.
- پوراحمد، احمد، کیومرث حبیبی، مهناز کشاورز (۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم بازآفرینی شهری به عنوان رویکرد نو در بافتهای فرسوده شهری، ۲۴-۱. <https://www.sid.ir/paper/177341/fa>
- پوراحمد، احمد و احمدی فرد، نرگس. (۱۳۹۷). بررسی نقش گردشگری خلاق در بازآفرینی بافت تاریخی (نمونه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۱۶، ۷۵-۹۰. [doi:10.22059/JURBANGEO.2018.236068.741](https://www.sid.ir/paper/177341/fa)
- حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی. (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران. هنرهای زیبا، ۲۴، ۱۵-۲۴. <https://www.sid.ir/paper/433653/fa>
- حبیبی، کیومرث؛ پوراحمد، احمد و مشکینی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). بهسازی و بازسازی بافتهای کهن شهری. تهران: نشر انتخاب.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۶). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- حکمت‌نیا، امیر حسین و احمدی، محمد رضا. (۱۳۹۵). توسعه گردشگری شهری با بهره‌گیری از توانمندی بافت تاریخی (نمونه موردی: گذر نصیر نظام شیراز). گردشگری اسلامی، میراث شهری و توسعه پایدار، تهران. <https://civilica.com/doc/553002>
- شفایی، سپیده و مهندس‌ان مشاوران. (۱۳۸۴). راهنمای شناسایی و مداخله در بافتهای فرسوده، شرکت ایده پردازان فن و هنر.
- صفدری، سیمای؛ پورجعفر، محمد رضا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۳). بازآفرینی فرهنگ مینا زمینه‌ساز ارتقا تعاملات فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر مشهد). هفت شهر، ۴۷-۴۸، ۳۹-۲۵. <https://www.magiran.com/p1556736>
- عسکری پورگلویک، افسانه؛ فرازمنند، رضوان و عسکری پورگلویک، عصمت. (۱۳۹۲). باز زنده سازی بافت تاریخی با تاکید بر اصول توسعه پایدار شهری نمونه موردی: فهادان یزد. اولین کنفرانس ملی معماری و فضاهای شهری پایدار، مشهد، آذر ماه ۱۳۹۲. <https://civilica.com/doc/295014>
- فرید، یدالله. (۱۳۹۰). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- کلانتری، حسین و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- لطفی، سهند. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مینا: تاملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۴۵، ۴۷-۶۰. [dor: 20.1001.1.22286020.1390.3.45.5.7](https://www.sid.ir/paper/177341/fa)
- محمدیان فر، محمد. (۱۳۸۹). کهن شهر شوش. رشد آموزش تاریخ، ۱۲، ۱۴-۸.
- مشکینی، ابوالفضل؛ موحد، علی و احمدی فرد، نرگس. (۱۳۹۵). بررسی سیاست بازآفرینی در بافتهای فرسوده‌ی شهری با استفاده از ماتریس QSPM و SWOT (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۴، ۴-۵۶۸. [dor: 20.1001.1.27833739.1401.20.74.2.2](https://www.sid.ir/paper/177341/fa)
- موسوی، حمید رضا. (۱۳۸۵). ضرورت بکارگیری الگوی فرآیند طراحی شهری با تمرکز بر مشارکت مردم در برنامه ریزی و طراحی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری. دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران. <https://civilica.com/doc/7254>
- Hall, C. M., & Jenkins, John. M. (1998). *Introduction to the tourism industry*. translated by Abbas Ardakanian & Mohammad Reza Habibi, Armaghan Publications.
- Historical district for all India. (2010). *United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization*, New Delhi <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000189482>

- Kavaratzis, M. (2004). *from city marketing to city branding: towards a theoretical framework for developing city brands*. Place branding and public diplomacy.  
<https://pure.rug.nl/ws/portalfiles/portal/33151144/volledigedissertatie.pdf>
- Kavaratzis, M. and Hatch M.J. (2012) the dynamics of place branding: an identity-based approach to place branding theory. *Marketing theory*, 13, 1, 69-86. <http://dx.doi.org/10.1177/1470593112467268>
- Kearns, G & Philo, C. (1993). *Selling places: the past as cultural capital past and present*. Oxford: Pergamon Press.
- Ki, Chiu On & Jayantha, Wadu Mesthrige. (2010). The Effects of Urban Redevelopment on Neighborhood Housing Prices. *International Journal of Urban Sciences*, 14:3, 276-294.  
[doi.org/10.1080/12265934.2010.9693685](https://doi.org/10.1080/12265934.2010.9693685)
- Roberts. P. (2003). *Urban Regeneration: Handbook*. London. Sage Publications.
- Veldpaus, L., & Pereira R., Ana R., & J.F. Colenbrander, B. (2013). Urban Heritage: Putting the Past into the Future. *the historic environment*, 4(1), 3-18.  
[doi/full/10.1179/1756750513Z.00000000022#abstract](https://doi.org/10.1179/1756750513Z.00000000022#abstract)



#### How to cite this article:

Malekian Behabadi, M, Zanganeh Shahraki, S., & Sadat Badihi, B. (2024). The Cultural-led Regeneration in Sang-E-Siah Neighborhood, A Model for the Revival of the Historical Textures (Case Study: Sang Siah Neighborhood of Shiraz). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(3), 167-180.

#### ارجا به این مقاله:

ملکیان بهابادی، مجتبی؛ زنگنه شهرکی، سعید و سادات بدیهی، بهامین. (۱۴۰۳). تجربه‌ی جریان بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله سنگ سیاه، الگویی برای احیاء بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله سنگ سیاه شیراز). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹ (۳)، ۱۶۷-۱۸۰.